



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عزیز صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



در دانشگاه کربلا

مصطفی محسنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دانشگاه کربلا

نویسنده:

مصطفی محسنی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	در دانشگاه کربلا
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۸	مقدمه
۹	احیای سنت شهادت
۱۱	امر به معروف و نهی از منکر
۱۲	اقامه صلوٰه
۱۴	عفو و بخشش امام
۱۵	عزت و افتخار حسینی (هیئات من الذله)
۱۷	وفاداری
۱۸	حمایت از ولایت
۱۹	صبر و استقامت
۲۱	تیغ کلام
۲۲	پیروزی خون بر شمشیر
۲۲	درسی برای گناهکاران (توبه)
۲۴	درسی برای سالمندان
۲۵	نتیجه
۲۸	درباره مرکز

نویسنده: مصطفی محسنی

ناشر: مصطفی محسنی

چکیده

سر چه قابل باشدار گردد فدا در راه یار باید از جان بگذرد هر کس کند یار اختیار آتش عشق آمد زد بر همه عالم شرر نغمه هیهات شد بر عاشقان آندم شعار لوح دل را نیست جای نقطه ای از غیر دوست سترّ این مطلب بدشت کربلا شد آشکار عهد و پیمان بین که سقا شد مسلط بر فرات با لبان تشنه سوی تشنگان شد رهسپار زور بازوی علی عباس شیر صف شکن داشت ار اذن از حسین می کرد دشمن را قطار ترس شد غالب به قلب غالب بن سعدیان تا به مرکب شد شبیه روی پیغمبر سواروه چه زیبا بود قاسم نو نهال مجتبی تیغ بر کف دشمنان هر سو زبیمش در فرار انقلاب افتاد در قلب سپاه کوفیان چون نمایان شد حسین بن علی با ذوالفقار فاش می گویم حسین در کربلا غوغا نمود چون علی در جنگ خندق گشت فتحش ماندگار تا قیامت پرچم سرخش بود در اهتزاز تا ابد این نهضت خونین بماند یادگار خار چشم دشمن آزادی و آزادگی شد یزید بی حیا از این عمل تا حشر خوار آفرین بر همت دخت علی آن شیر زن مرحبا بر خطبه بی مثل او در روز گار رفت در شام به افشای ستم لب بر گشود زان سخن زد لرزه بر قلب یزید نابکار حجت حق حضرت سجاد با تیغ سخن پایه تخت ستم را کرد سست بی قرار سید سجاد با آن خطبه های آتشین کرد رسوا دشمنان حیدر والا تباریا حسین گویان همه افراد آن مجلس شدند شام شد از یا حسین شامیان در انفجار نام زیبای حسین شد بر زبانها تا ابد تا برون آید امام منتقم از انتظاریا

حسین گوئیم در سالی که شد سال حسین سال ما امسال سال عزّت است و افتخار «ان الحسین مصباح الهدی وسيفنه النجاه» با توجه به مضامین این حدیث شریف امام حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است و از این چراغ هدایت باید در پیدا کردن راه از بی راهه های موجود در مسیر سیر الی الله استفاده کرد. کربلا یک جنگ معمولی و زد و خورد قومی نبود بلکه یک مکتب بود که تا ابد پویندگان راه حق و حقیقت باید آن مکتب و ابر مردان آن نهضت خونین را سر مشق خود قرار دهند. کربلا پر بود از فضایل اخلاقی که بیان ثنوی هر کدام از آن فضایل سالها تحصیل در کلاسهای استادان زبردست می طلبد ولی شهداء همیشه جاوید کربلا همه آن فضایل را یک روزه به نمایش گذاشتند فضایل و مکارمی چون احیای سنت شهادت توسط امام حسین و یاران باوفایش، اقامه امر به معروف و نهی از منکر به طور عملی، اقامه صلوه در ظهر عاشورا در گیراگیر جنگ، عفو و بخشش امام در طول زندگی مخصوصاً در رابطه با جریان حر بن یزید ریاحی، با عزت و افتخار مردن و تن ندادن به ذلت بیعت به شخص پلیدی چون یزید، وفاداری و اوج آن در جریان تشنگی قمر بنی هاشم و نخوردن آب توسط آن بزرگوار و دیگر شاهکارهای آن شهید سعید، حمایت از ولایت توسط تمام شهدا مخصوصاً قمر بنی هاشم، صبر و استقامت توسط یک زن و گفتن جملاتی که در هنگام فرود مصائب کار بسیار دشواریست، تیغ کلام و بیان حقایق هنگام نیاز، درسی برای گناهکاران که از رحمت حق مأیوسند درسی برای سالمندان

که در اسلام بازنشستگی نیست بلکه از کارافتادگی هست، از جمله دروسی بود که در کربلا بطور عملی تدریس شد و اگر قیام امام حسین هر سال بهتر از سال پیش تازگی دارد بدلیل این فضایل است که باعث زنده نگه داشتن جریان کربلا شده است. این فضایل باعث شده هر سال عده زیادی از شیعیان و غیر شیعیان در اقصی نقاط جهان محرم را زنده نگه دارند و بازنده نگه داشتن یاد و خاطره های محرم دین اسلام مصون بماند. بر ماست که علاوه بر عزاداری چون شاگردی ناچیز در خدمت استاد بزرگ کربلا حضرت امام حسین و دیگر اساتید بزرگوار چون قمر بنی هاشم و دیگر شهدا و... به خوشه چینی مشغول باشیم تا راه سعادت دنیوی و اخروی خودمان را پیدا کنیم. وبدانیم که این فضایل مختص مکتب حسینی است.

مقدمه

قال رسول الله: ان الحسين مصباح الهدى وسفينة النجاه بر هر عزاداری لازم است علاوه بر عزاداری و ریزه خواری بر سر سفره ابا عبدالله الحسين به این حدیث توجه کند که پیامبر اسلام امام حسین را چراغ هدایت نامیده و کشتی نجات معرفی نموده است. یعنی در مکتب حسینی درخشندگی هایی وجود دارد که با آن درخشندگی ها می توان به رهروی در زندگی و پیدا کردن راه از تاریکی ها و بیراهه های موجود ادامه داد. کربلا یک دانشگاه عظیم است که شاگردان آن نه تنها شیعیان آن زمان بلکه تمام شیعیان در طول تاریخ هستند. و نه تنها شیعیان در طول تاریخ بلکه تمام مسلمانان شاگردان آن مکتبند، اگر بخواهند به خیر دنیا و آخرت برسند، حتی غیر مسلمانان چون گاندی نیز قیامشان را سرمشق گرفته از شهدای کربلا می دانند و به وجود چنین شخصی در

طول تاریخ بشریت افتخار می کنند. درس گرفتن و الگو قرار دادن هر یک از شهدای کربلا می تواند انسان را به سعادت دنیوی و اخروی برساند؛ فضایل و سجایای اخلاقی زیادی است که انسان در این مکتب به طور عملی و به دور از لقلقه زبان می بیند و هر کس متناسب با وضعیت خود می تواند از شاهکاری الگو بگیرد. دانشگاه کربلا که مؤسس آن حسین بن علی (ع) است و اساتید آن تمام کسانی هستند که در این حماسه آفرینی نقش داشته اند و آن را جاوید کرده اند، دانش پژوه می طلبد و در رشته های مختلف فضایل اخلاقی متخصص می پروراند و فارغ التحصیلان این دانشگاه قطعاً از جمله کسانی هستند که در روز رستاخیز نامه عملشان به دست راستشان قرار دارد. و فائز شده از امتحان های دنیوی هستند. بیایید ما نیز از جمله دانشجویان و دانش پژوهان این مکتب باشیم و این مدال افتخار را به گردنمان آویزان کنیم و فریاد بزنیم: «ای جهانیان ما فارغ التحصیل از دانشگاه مکتب حسینی هستیم». در این جا دوازده شاهکار زیبا و ماندگار از اساتید بزرگ مکتب حسینی آورده شده که هر کدام به تنهایی اقیانوسی است بی کران اگر چه اینها قطره ای هستند از اقیانوس بی کران مکتب حسینی.

احیای سنت شهادت

امام (ع) در روز عاشورا در دفاع از حریم اسلام و قرآن جان خود و عزیزانش را سپر قرار داده و درسی را در تاریخ ضبط نمودند که نه تنها یزید بن معاویه بلکه تمام یزیدیان اعصار مختلف را به ستوه آورده و کاخ ظلم و ستم را لرزانده است. هنوز آتش حماسه خونین کربلا خاموش نشده بود که شخص نابینایی به نام عبدالله بن عقیف با درس گرفتن از شهادت امام حسین (ع) مجلس عبیدالله بن زیاد را

به هم ریخته و جانش را فدای مکتب امامش می کند. قیام‌هایی چون قیام توابین، قیام مردم مدینه به سرپرستی عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه و قیام مختار برگرفته از همین درس شهادت و ایثار امام حسین (ع) بود که در پایان به شهادت رهبران آن قیام‌ها ختم شد، اگر چه در این میان دمار از روزگار وحشی صفتان کربلا چون شمر و ابن سعد و حرمله درآمد. حتی با استفاده از بیداری مردم و احیای سنت شهادت در بین آنان بود که فرصت طلبانی چون عبدالله بن زبیر و ابو العباس سفاح قیام کرده و بنی امیه را تارمار کردند و شاخه‌های این شجره خبیثه را در هم شکستند اگر چه خودشان نیز پا به چای پای همان دودمان ملعون گذاشتند. درسی که امام حسین (ع) در کربلا دادند در طول تاریخ شاگردانی تربیت کرد که با الهام از آن امام بزرگوار با خون خود درخت اسلام و مذهب تشیع را آبیاری کردند و حتی رهبران چون گاندی قیام خود را الهام گرفته از قیام خونین کربلا معرفی کردند و استبداد و استکبار زمان خود را از سرزمینشان بیرون کردند. امام خمینی نیز با سرمشق قرار دادن قیام امام حسین (ع) و تشریح و تبیین آن حماسه عظیم مردم را به پیروی از آن شهید سعید دعوت نموده و طومار ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچیدند و با تربیت حسین فهمیده‌ها استکبار شرق و غرب را به زانو نشانند. ایثار و شهادت درسی است که تا زمین از لوٹ وجود ظالمان پاک نشده است ادامه دارد و همین درس است که انشاء الله پرچم اسلام راستین را به رهبری حضرت مهدی روحی - ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - بر فراز تمام

کاخ های مستکبران به اهتزاز درخواهد آورد.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر که از جمله فروع دین می باشد و بر هر مسلمانی مثل نماز و روزه واجب بوده و تارک آن مستوجب عقاب اخروی می باشد خداوند در قرآن می فرماید: (ولتکن منکم ائمه یدعون الی الخیر ویأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون) و باید از بین شما گروهی مردم را به کارهای نیک امر کرده و از کارهای زشت نهی کنند و آنان رستگارانند و درباره کسانی که نسبت به این عمل واجب بی توجه هستید در احادیث آمده که حضرت رسول الله می فرماید: «اذا لم یأمروا بالمعروف ولم ینهوا عن المنکر و لم یتبعوا الاخیار من اهل بیتی، سیلط الله علیهم شرارهم فیدعوا عند ذلک خیارهم فلا یتستجاب لهم». «هرگاه مردم امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهند و از خوبان اهل بیت من پیروی نکنند خداوند، بدان آنها را بر آنها مسلط می کند و در این زمان نیکانشان دعا می کنند و دعایشان مستجاب نمی شود.» بدیهی است ائمه اثنی عشر معلّم قرآن و عامل به کتاب الله شریف می باشند و باید نسبت به فرمان های خداوند بیش از هر کس دیگری رغبت نشان دهند. امر به معروف و نهی از منکر که از یک دیدگاه تمام خوبی ها و بدی ها در دایره آن است از اوامر خداوند تبارک و تعالی می باشد و امام حسین به عنوان معلّم و در جایگاه آموزنده قرآن به طور عملی این درس را از لا بلای کتاب ها بیرون آورده به صورت قیام علیه یزید مطرح نمودند فرمودند: «ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر سیره جدی و ابی» علی بن ابی طالب می خواهم امر به معروف و نهی از

منکر انجام دهم و به سیر جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل نمایم ایشان نشان دادند که برای اقامه معروف باید از جان گذشت و برای بازداشتن از منکر باید خود را سپر بلائی قرآن قرار داد تا احکام و حدود الهی اقامه شود و کسانی که به هر نحوی و در هر مقامی مخالفت خداوند را می کنند نتوانند به راحتی به عمل زشت خودشان ادامه دهند. بی شک اگر تمام افرادی که خود را پیرو امام حسین (ع) می دانند به این درس سالار شهیدان کربلا عمل نمایند دیگر نه منکری می ماند و نه کسی می تواند بطور علنی بر خلاف فرموده خدا و رسول خدا عمل کند پس اسلام ناب محمدی در سایه امر به معروف و نهی از منکر می تواند عملی شود که این درس بزرگ را حسین بن علی با خونش برای ما یادگار گذاشتند.

اقامه صلوه

جنگ تا ظهر طول کشید نیروهای امام سه روز تشنگی تحمل کرده بودند و باید به تنها چیزی که فکر می کردند آب باشد تا نفسی تازه کنند و به مقابله با دشمن پردازند اما امام (ع) تشنگی بسیار بزرگتری نیز داشت و آن تشنگی دیدار یار بود. همه چشمهای تماشاگران در ظهر عاشورا چه کسانی که حاضر بودند و چه کسانی که از دریچه تاریخ می نگرند به این خیره شده است که آیا کسی که تا بحال هیچ چیز نتوانسته بین او و معبودش فاصله بیندازد آیا گرمی جنگ یا ترس از دشمن یا فراق عزیزان می تواند بین او و معبودش جدایی افکند. اما امام با امر به مؤذن به این سؤال جواب داده و تمام قضاوت کننده گان در طول تاریخ با جواب امام، انگشت تحیر به دندان گرفته

و از آن صحنه عجیب مات و مبهوتند. هنگام ظهر امام حسین (ع) به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله دستور داد با نصف کسانی که باقی مانده بودند مقابل اشان صف بکشند و امام (ع) با سایر اصحاب نماز خوف خواندند. و حتی سعید بن عبدالله در این گیرودار به شهادت رسید. این درس بزرگی است که امام حسین (ع) به پیروانشان داده اند و عملاً ثابت کرده اند که نباید هیچ چیز مانعی بین خدا و انسان شود. ایشان نه تنها نماز خواندند بلکه اقامه صلوه کردند و با این عمل شریف به ما درس بزرگی دادند اما متأسفانه چه چیزی مانع است از اینکه بعضی از شیعیان به این درس بی توجه هستند و نسب به نماز اهمیتی قائل نیستند شب عاشورا تا دیر وقت عزاداری می کنند اما همان شب در نماز جماعت شرکت نمی کنند و حتی بعضاً نماز صبحشان قضا می شود. امام با جمله «انی احب الصلوه» حتی شب عاشورا مهلت گرفتند که به راز و نیاز به پردازند و مناجات در درگاه خداوند متعال نمایند. یعنی ای عزاداران، ذاکران و سینه زنان حسینی بیشتر از هر چیزی به نماز اهمیت دهید و حتی یک شب را غنیمت شمرید. ای کاش این درس بزرگ آویزه گوش تمام حسینیان می شد و مساجد پر می شد از نمازگزارانی که با تأسی به سید و مولای شهیدشان سر بر خاک و تربت کربلا می گذارند و باهم به رکوع و سجود می روند و پس از نماز با گریه و عزاداری به امام حسین (ع) تعقیب نماز می نمایند. شهید عزیز رجائی با درس گرفتن از سرور و مولایش می فرماید به نماز نگوئید کار دارم بکار بگوئید نماز دارم شاید آن بزرگوار نیز از ناراحتی این حرف را زده

باشند چون شاهد بی توجهی بسیاری از شهروندان نسبت به نماز جماعت و مسجد بوده اند.

عفو و بخشش امام

بخشش از فضایی است که اوج آن در کربلا دیده می شود و حضرت سید الشهداء با به نمایش گذاشتن آن عفو بزرگ آینه تمام نما عفو الهی در روز رستاخیز شد. آن هنگام که حر بن یزید ریاحی به فرمان عبیدالله بن زیاد راه را بر امام بست و امام(ع) را از حرکت بازداشت امام(ع) به همراهانش دستور داد به لشکر تازه رسیده آب دهند: مرحمت بین که در آن وادی پرخوف و محن می دهد آب حسین بن علی بر دشمن آن که شمشیر برویش بکشید، آبش داد آنکه گریه زغمش کی برد او را از یاد و باز آن هنگام که حر از کرده زشت خود پشیمان شد و برای عرض پوزش به خدمت آن جناب رسید با برخورد ملاطفت آمیز و بی نظر آن امام همام مواجه شد که نه تنها حر بلکه تاریخ متحیر شد. شاید تصوّر این بخشش برای امثال ما غیر ممکن و بعید باشد که شخصی انسان و تمام یاران او را به چنگال دژخیمان بد منشی چون شمر و سنان ابن انس و... تحویل دهد که با این تحویل هم شهادت و به خون غلطیدن عزیزان انسان و هم اسارت اهل بیت و ظلم و ستم بی مثل به آنان حتمی شود. سپس کار که از کار گذشت سر به زیر افکنده و از عملش پشیمان باشد و به محضر امام مشرف شود! امام(ع) در چنین شرایط فرمایش زیبایی دارند که تمام ناامیدان از رحمت و عفو الهی را امیدوار و بال رحمتش را بر سر گناهکاران باز کرده و در پناه آن اسیران هوا

وهوس ها را حر نموده و به بهشت برین رهنمون می شوند. امام می فرماید: «انت الحر كما سمّتك أمك وانت الحر في الدنيا والاخره». «تو حری آزادی» کما این که مادرت تو را حر نامیده است و تو در دنیا و آخرت آزادی» این درس بزرگ اگر چه درسی است برای گناه کاران که نا امید از رحمت حق نباشند درسی نیز هست برای کسانی که نسبت به آنان ظلم روا داشته شده است که بخشش از بزرگان است کما این که قرآن می فرماید: (وجزاء سيئه سيئه مثلها فمن عفا و اصلح فاجره على الله انه لا يحب الظالمين) و جزای هر بدی بدی مثل آن است پس کسی عفو کند و اصلاح کند اجرش با خداوند است و او ظالمان را دوست ندارد. و باز حضرت علی می فرماید «العفو؛ تاج المكارم» «بخشایش تاج فضایل است» بی شک اگر پیروان راستین مکتب حسینی این درس بزرگ سرورشان را جامه عمل ببوشانند و از یک دیگر در گذرند دژ محکمی در برابر دشمنان مکتب و آئینشان می شوند که هیچ تند بادی نمی تواند آنها را کوچکتین تکانی دهد تا چه رسد این که در مقابل دشمنان سر فرود آورده تسلیم آنان شوند.

عزت و افتخار حسینی (هیئات من الذله)

یزید بن معاویه دو راه برای امام حسین (ع) تعیین کرد که یکی از آنها را بالاچار باید قبول می کردند: ۱ بیعت با شخص بی لیاقتی مثل یزید سگباز یعنی زندگی با ذلت و خواری ۲ شهادت و در خون غلطیدن و تن ندادن به این ذلت یعنی مرگ شرافتمندانه و باعزت امام (ع) ضمن انتخاب راه دوم به انسانیت پیامی دادند که آنها را از اسارت و بردگی رها کند و شرافت و نام نیک از آنها به یادگار گذارد. ایشان در اینباره

فرمودند: «قد ركز بين اثنتين، بين السله و الذله هيهات منا الذله؛» یزید مرا در دو راهی قرار داده بین شمشیر و ذلت و هیئات که ما ذلت را بپذیریم» و در جای دیگر فرمودند: «لا والله لا اعطيهم بيدي اعطاء الذليل و اقر اقرار العبيد» «نه والله همانند خواران دست بسویشان دراز نمی کنم و همچون برده ها اقرار نخواهم کرد» درس مرگ با عزت و افتخار درس بزرگی است که سالار شهیدان در کربلا به رشته تحریر در آورده و آن را به طور عملی اجرا کردند و در خون غلطیدن را بهتر از زندگی دانستند که با خواری و ذلت باشد. هنوز پس از چهارده قرن سالی را به نام عزت و افتخار حسینی نام می نهند به چون هر کس که در این درس بزرگ، شاگردی این مکتب را کند، هم می تواند به این شاگردی افتخار کند و هم افتخاری می شود برای تشیع که ای سردمداران زروزور، شیعه تن به ذلت نمی دهد ولو این که از دم تیغ بگذرد. شیعه دست پرورده ابر مردی است که می توانست با بیعت کردن با یزید به تمام دنیا برسد ولی قبول نکرده و نبودن در این دنیا را بهتر از بودن در یوق یزید دانست. این درس بزرگ است که باعث شده ژنرال یهودی و پس از چهارده قرن بگوید علت شکست تمام عملیات ما در مقابل شیعیان این است که شیعه در پشت سر رهبری چون حسین بن علی (ع) و در پیش رو قائم آل محمد را دارد. نام گذاری امسال به سال عزت افتخار حسینی بیانگر این موضوع است که ای شاگردان مکتب ثارالله اگر می خواهید عزت و افتخار یابید راهی نیست جز راهی که امام حسین پیمود و آن زندگی نکردن با ذلت

بود. انشاء الله تمام پیروان مکتب حسینی نسبت به این درس زیبا بیدار باشند و آماده تاسی از بنیانگذار این مکتب (حضرت سیدالشهداء) در مقابل دشمنان قسم خورده این نهضت باشند.

وفاداری

صدق و صفا و مهر و وفا به اوج خود رسید آن هنگامی که سقای تشنه ای پای در آب نهاد و مشک را پر آب کرد و مستی نیز پر کرده و به نزدیک دهان آورد ولی آن را به آب برگرداند. سقای تشنه گان کربلا گناهی را نابخشودنی دید که آب نوشد و اطفال برادر تشنه باشند. آب نوشد سرور و آقایش منتظر و چشم براه برادر باشد. علمدار کربلا آب را بروی آب ریخت و بر مرکب سوار و عازم خیمه شد اما دیو صفتان ایشان را احاطه نمودند و مشک او را سوراخ کردند و امیدش را نا امید! حضرت عباس (ع) با این شاهکار ماندگار به همگان آموخت وفا یعنی چه و اگر سالیان سال علماء اخلاق در کلاسهای درس تدریس وفا می کردند نمی توانستند اینگونه به آموزندگان رسم وفا آموزش دهند. وقتی که علم حضرت عباس (ع) را به دربار یزید پست بردند. یزید دید آن پرچشم بر اثر ضربات جای سالم ندارد سؤال کرد: چه کسی آن را حمل می کرده است؟ جواب دادند: عباس بن علی (ع) یزید گفت: «هکذا یکون و فاء الاخ لایخیه». این گفته یزید حاکی از آن است که حتی دشمن خونی و کینه توز حضرت عباس نیز از این وفاداری در شگفت است همان گونه که معاویه از فضایل حضرت علی (ع) در شگفت بود و بارها این تعجب خود را اظهار کرده بود. دانش پژوهان مکتب حسینی باید در سهای، وفاداری، جانثاری، شجاعت، شهامت، رشادت و حمایت از ولایت را از استاد بزرگ اخلاق قمر بنی هاشم بیاموزند و چنین بزرگواری

را الگو خود قرار دهند. حال به درس زیبای دیگر از حضرت عباس(ع) در کربلا توجه کنید که چگونه از ولایت و امامت زمان خود تا پای جان ایستاد و جان عزیزش را فدای از جان عزیزترش کرد.

حمایت از ولایت

در درس پیش اشاره به وفاداری باب الحوائج حضرت عباس(ع) شد. حال جای این سؤال است که این همه وفاداری و ایثار فقط بخاطر برادری حضرت عباس(ع) با امام حسین(ع) بود یا رشته محکم تر دیگری باعث این علقه و محبت شدید شده بود. آیا محمد بن حنفیه نیز که برادر پدری حضرت عباس(ع) بود این رشته محکم را با حضرت عباس(ع) داشت و آیا اگر خدای نکرده مثلاً شخص ستمکاری برادر حضرت عباس بود باز حضرت عباس(ع) اینگونه جانفشانی و حماسه آفرینی می کرد یا خیر؟ جواب این سؤال مشخص است که علقه بالاتر از برادری بین امام حسین(ع) و حضرت عباس بود و آن رابطه ولایت بود و قطعاً اگر این ولی غیر از برادر بود نیز حضرت عباس از این جانفشانی کوتاهی نمی کرد، کما اینکه شهدای دیگر چون حبيب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه و... رابطه برادری با امام و مولایشان نداشتند ولی در جان افشانی مضایقه نکردند. پس آنچه باعث شد حضرت عباس(ع) با همه توان از برادرش حمایت کند بیشترین بود که برادرش نه تنها برادرش بود بلکه امام و پیشوایش بود و این شهید بزرگوار در حمایت از ولایت چون قمری در تاریخ می درخشد و به دیگران ظلمت را چون روز روشن می کند. شاهد بر این گفته اشعاریست که بصورت رجز از وجود حضرت عباس(ع) نقل شده است ایشان در حین جهاد شمشیر می زدند و با افتخار می خواندند: واللّٰه ان قطعتموا یمینی انی احمی ابداً ان دینی وعن امام

الصّادق الیقینی نجل النبی الطاهر الامینی ترجمه:والله اگر دست راست مرا قطع کنید همانا من از دینم تا ابد حمایت می کنم و از امام راستگوی یقینیم که از اولاد پیامبر پاک امین است از این ابیات مشخص می شود که حضرت عباس(ع) در حمایت از ولایت چنین استواری و مقاومت نشان داده است نه تنها برادری. و این درس بزرگی است به جوانان و کسانی که به هر نحوی می توانند از ولایت زمان خودشان حمایت کنند. و حضرت عباس(ع) را در این درس استاد و الگوی خود قرار دهند، تا اینکه ولی الله الاعظم آقا امام زمان(عج) ظهور بفرمایند و با حمایت این الگو گرفتگان بساط ظلم و ستم را برچینند و به پرونده جنایت کاران خاتمه دهند. انشاء الله

صبر و استقامت

شاید باور کردنی نباشد که یک زن داغ دو فرزند و ۶ برادر و برادرزاده ها و عموزاده های زیادی را دیده باشد و چون کوه استوار باشد و خم به ابرو نیاورده باشد. شاید باور کردنی نباشد که یک زن مصیبت زده چون طوفان در تلاطم و چون پتک کوبنده سخن گوید و پایه های کاخ ظلم و ستم را بلرزاند و با طوفان سخن کاخ و کاخ نشینش را سرگون سازد آری زینب (س) پس از کشیدن آن همه مصائب در کوفه و شام ابن زیاد و یزید را رسوا کرد و چنان عرصه را بر آنان تنگ کرد که هر کدام این گناه بزرگ را به گردن دیگری انداختند. مقاتل نوشته اند هر پیکری را که حسین(ع) به خیمه ها آورد خواهرش فوراً خودش را به ایشان می رساند تا مبادا بار مصیبت را برادر بزرگوارش تنها تحمل کند و بازویی بود برای برادرش، اما آن هنگام که پیکر پرپر شده عزیزانش را به خیمه آوردند چادر خیمه را پایین کشید و داخل

خیمه ماند، بعضی ها علت را آن دانسته اند که حضرت زینب نمی خواسته از اجر مصیبت فرزندانش کاسته شود لذا داخل خیمه ها مانده و بعضی بر این هستند که حضرت نمی خواسته صورتش به صورت برادر بیفتد مبادا برادرش خجالت بکشد و بهر حال کار بزرگی برای یک مادر که چنین در مصیبت فرزندانش صبر کند. در، دربار ابن زیاد هنگامیکه آن ملعون با کوهی غرور گفت دیدی خداوند با برادرت چه کرد و شما را خوار و ذلیل کرد، حضرت با جوابش آب سردی به صورت ابن زیاد پاشید که از آن کوه غرور جز سرافکندگی چیزی باقی نماند. زینب (س) در جواب ابن زیاد، علی وار فرمودند: «ما رأیت الا جمیلاً؛ بجز زیبایی ندیده ام» و چه زیباست، زیبا دیدن حضرت زینب که اگر تمام اساتید اخلاق جمع می شدند جمله ای به زیبایی این جمله نمی توانستند بر زبان جاری کنند بسیاری از سجایای اخلاقی را در جمله ای بیان نمایند. حضرت در این جمله علاوه بر درس زیبا و بزرگ صبر، درسهای راضی بودن به قضای خداوند و تسلیم به امر حضرت باری تعالی را با بیان بسیار رسایی تدریس نمودند. صبر درسی است بزرگ که اگر زنان و مردان شیفته مکتب امام حسین (ع) آن را از این مکتب بیاموزند در دنیا و آخرت رستگار خواهند شد. دانش پژوهان این مکتب هم صبر بر مصیبت ها می کنند و اجر اکمل شامل حالشان می شود و هم صبر بر گناه نکردن و انجام واجبات می کنند و اجر اخروی زیادی نصیبشان می شود و از تحمل آتش جهنم که هیچ صبوری نمی تواند در مقابل آن ایستادگی کند در امان هستند. و باز پویندگان مکتب حسینی با صبر در فراق مولایشان حضرت مهدی ایمانشان محکم تر و محبتشان به مولایشان هر چه بیشتر می شود و آماده بر ظهور قطب عالم امکان می شوند.

در درس پیش اشاره ای به سخنانی حضرت زینب در دربار ابن زیاد و یزید پلید شد حال درباره آن سخنانی و پیامدهای آن همچنین خطبه های امام زین العابدین در کوفه و شام اشاره می شود. معاویه در طول بیش از نیم قرن چنان مردم شام را خام کرده بود که فکر می کردند اسلام یعنی معاویه و معاویه یعنی اسلام و لا غیر و چنان حضرت علی (ع) را ترور شخصیت کرده بود که هنگامی که در محراب به شهادت رسیدند مردم شام گفتند: مگر علی نماز می خوانده است. خطبه حضرت زین العابدین و حضرت زینب در شام باعث شد آنچه دودمان ابوسفیان در بیش از نیم قرن بافته بودند پنبه شد و مشت خالی آنان باز شد تا آن اندازه که مسجدی که هر روز یزید در آن امامت می کرد و مأمومین زیادی به او اقتدا می کردند بلافاصله بعد از خطبه امام سجاد با تعداد کمی از درباریان نماز بر پا شد و یزید کاملاً روسیاه و سر افکنده شد. امام سجاد که به علت بیماری مصلحتی در کربلا به شهادت نرسیده بود به عنوان پیام رسان کربلا به جای شمشیر آهنی تیغ کلام از نیام بیرون کشید و چنان ابوسفیانان را تار و مار کرد که انتقام مظلومیت پدر و جدش علی بن ابی طالب را نیز از دودمان کثیف بنی امیه گرفت. تا جایی که یزیدی که به خاطر این عمل به ابن زیاد هدایای زیادی به عنوان تشکر داده بود بلافاصله تغییر موضع داده و گفت: «ای کاش سختی های زیادی را تحمل می کردم و حسین را به خانه خودم می آوردم و به دلیل پیامبر اسلام و احترام ایشان و نزدیکی حسین با پیامبر اختیار

را به او می دادم... خدا پسر مرجانه را لعنت کند» این است تیغ کلام که به ما می آموزد وقت سخن نترسیم و حق را بگویم اگر چه به ظاهر به ضرر و زیانمان تمام شود شاعر می گوید: وقت سخن مترس بگو آنچه گفتنیست شمشیر روز معرکه زشت است در نیام

پیروزی خون بر شمشیر

خون امام حسین (ع) و اصحاب عزیزش فتحی بزرگ بر اسلام و مخصوصاً تشیع شد. اگر چه در درس تیغ کلام گفته شد که سخنرانی حضرت سجاد باعث نابودی یزیدیان شد ولی آن خطبه های آتشین نیز با بیان مظلومیت امام حسین و ریختن خون آن بزرگوار به ناحق بود که توانست ثمر بخش باشد. خون امام حسین (ع) و افشاگری های حضرت سجاد و حضرت زینب باعث بیداری مردم و زمینه برای قیام هایی علیه بنی امیه و در پایان، باعث انقراض آن شجره خبیثه شد که در بحث احیای سنت شهادت مطرح شد: بر پرچم سیاه پس از سالها هنوز نام حسین با خط خوانا نوشته اند و شاعر دیگر نیز چه زیبا سروده که است: پرچم صحن طلا دارد حسین نیک نام شمر بی نام و نشان در گنبد قمار شد امام حسین (ع) به مظلومان عالم آموخت که اگر توان نظامی شما در برابر دشمن ناچیز است اما شما مسلح به سلاحی هستید که هیچ بوسيله دفاعی از دشمن نمی تواند جلو آن را بگیرد و آن سلاح بزرگ خون است که در عاشورای ۶۱ هجری ثابت شد این سلاح بر شمشیر پیروز است. مظلومان عالم باید بدانند که با خونشان می توانند دشمن تا بن دندان مسلح را به زانو در آورند به شرطی که از سلاح خون استفاده کنند.

درسی برای گناهکاران (توبه)

در بحث عفو و بخشش امام از یک دیدگاه عظمت و بزرگی بخشش امام بیان شد که ما نیز باید از آن عفو و بخشش درس بگیریم اکنون از دیدگاه دیگری به داستان حر شهید و بخشش امام می نگریم و آن توبه و بازگشت حر است. حر که از دست پرورده های مکتب حسینی

است به ما آموخت که نباید از رحمت الهی مأیوس باشیم ولو اینکه گناهی به بزرگی به دام انداختن اهل بیت عصمت و طهارت کرده باشیم. خداوند در قرآن می فرماید: (قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا- تقنطوا من رحمہ الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم) «بگو ای بندگانی که اسراف بر خودتان کرده اید از رحمت خدا مأیوس نشوید که همانا خداوند تمام گناهان را می بخشد و او بخشنده و مهربان است». در همین خصوص، راستا حدیثی از پیامبر (ص) به نقل از جابر ابن عبد الله انصاری آمده که می گوید: «قال جائت امرأه الی النبی (ص) فقالت یا نبی الله ان امرأه قتلت ولدها بیدها هل لها من توبه فقال لها: والذی نفس محمد بیده لو انها قتلت سبعین نبیاً ثابت و ندمت و یعرف الله من قبلها انها لا ترجع الی المعصیه ابداً لقبیل الله توبتها و عفی فان باب التوبه مفتوح ما بین المشرق و المغرب و ان- التائب من الذنب کمن لا ذنب له؛ جابر گفته است: زنی خدمت رسول خدا (ص) آمد، عرض کرد، زنی بچه خودش را به دست خودش به قتل رسانده آیا توبه دارد؟ فرمود (پیامبر): قسم به آن خدایی که جان محمد در دست اوست اگر آن زن هفتاد پیامبر را بقتل رسانده باشد و پشیمان شود و توبه کند، و خداوند راستی گفته اش را بداند که دیگر به گناهی رجوع نمی کند توبه اش را قبول می فرماید و از گناهش عفو می کند و همانا توبه کننده مثل کسی است که اصلاً گناه نکرده است». اگر توبه حر و بخشش امام حسین (ع) نبود شاید باور این آیه و حدیث از اعماق دل برای بسیاری لا اقل سخت بود ولی

حر در کربلا- به تمام گناه کاران عالم آموخت که اگر انسان اراده کند که برگردد و در تصمیمش راسخ باشد راه باز است. البته گناه کاری که حق الناس بدهکار است چه حق الناس عرضی (غیبت کسی را کرده) چه مالی (به کسی بدهکار است) و چه حق الناس جانی (به کسی لطمه جانی زده است) باید حقوق خود را ادا کرده سپس توبه کند، و یا اگر گناهش طوری است که قابل جبران است مثل ترک نماز و روزه و خمس و زکات باید قضای آن را به جای آورده و سپس توبه نماید. لذا بعضی از گناهان است که توبه آن فقط استغفر الله نیست و نیاز به مقدمات دیگری دارد. ای کاش تمام گناه کاران زانو تلمیذ خدمت استاد بزرگ کربلا یعنی حر شهید به زمین می زدند و به یکباره منقلب می شدند و دریای توبه آنان را از تمام آلودگی ها پاک می کرد و به سعادت اخروی می رساند. آری حر ره صد ساله را یک شبه پیمود و به همگان آموخت که ای گناهکاران درهای رحمت خدا به سوی بندگان باز است خلاق بی نیاز بنده نواز. آری، حر در دانشگاه کربلا درس اخلاقی توبه را به صورت عملی تدریس کرد و شک شبهه را از تمام دیر باوران گرفت و ضربه مهلک تا ابد بر شیطان رجیم وارد کرد که تمام زحمت های آن ملعون به باد رود.

درسی برای سالمندان

یکی از شهدای کربلا حبیب بن مظاهر پیرمرد ۹۳ ساله بود. حبیب از جمله کسانی بود که به امام حسین (ع) نامه نوشته بود و همچنین از جمله کسانی بود که با مسلم بن عقیل بیعت کرده بود و سرانجام برای وفای به عهد خود در کربلا

خدمت امام حسین (ع) رسید. حبیب با این حرکتش این نکته را آموخت که حمایت از دین سن و سال نمی شناسند، و آنچه در این زمینه مهم است توان است نه سن و سال. بر خلاف تصور اشتباه امروزی در مکتب، ما چیزی به نام باز نشستگی نیست و آنچه مورد تأیید دین ماست از کار افتادگی است. ممکن است انسان سی ساله ای از کار بیفتد و ممکن است انسان ۹۰ ساله ای توانایی کار کردن داشته باشد، ولی متأسفانه به بهانه باز نشستگی بسیار کسانی که توانایی انجام کار دارند از حقوق و مزایای از کارافتادگان استفاده می کنند. و باز در زمینه علم و دانش در اسلام فارغ التحصیلی معنا ندارد مگر نه آن که پیامبر (ص) فرموده اند: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» «ز گهواره تا گور دانش بجوی» ولی متأسفانه گرفتن مدرک و فارغ التحصیلی در جامعه اسلامی ما ریشه دوانده و توانایی در زمینه های مختلف به باد فراموشی سپرده شده است. حبیب بن مظاهر پیرمردی که روحیه ای چون جوانان داشت با شجاعت تمام به میدان رفته و جان عزیزش را نثار امام و مکتبش نمود و به آیندگان آموخت که حمایت از دین به کهولت سن ربطی ندارد و هر کس در هر سنی که توانایی دارد باید به اندازه توانایی خود از دین و آئینش حمایت نماید.

نتیجه

آنچه قیام امام حسین (ع) را تاکنون زنده نگه داشته علل زیادی و یکی از آن علل برپائی عزاداری و گریه و مرثیه سرایی برای امام حسین (ع) است. و شاید مهمترین علل همین باشد که امام خمینی فرمودند «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است». برپائی مراسم به

شکل سنتی که در پایان منا بر مرثیه حضرت ابا عبدالله خوانده می شده علاوه بر مرثیه خوانی به چگونگی قیام علل آن، اهداف امام حسین (ع) از این قیام و نکات اخلاقی آموزنده در حین قیام نیز اشاره می شده که باعث محکم شدن پایه های دین و مکتب حسینی بوده است. متأسفانه در بعضی از مجالس مرثیه خوانی امروزی از این مسائل مورد نیاز گفته نمی شود که هیچ، مرثیه ها نیز بعضاً بی محتوی و دروغ شده و آنچه در این گونه مجالس ملاک است صدای خوب مداح و سرصدای بی روح بعضی از مستمعین است. چه شد که مجالس عبرت گیری و پند آموزی مکتب حسینی به چنین جلسات بی روحی تبدیل شده است و آن درسهای اخلاقی علماء که مصداق بارز: «سخن کز دل بر آید لا جرم بر دل نشیند» بود جای خود را به هیاهو و استفاده عده ای فرصت طلب داده است. عزاداران حضرت سید الشهداء باید ضمن عزاداری هر چه با شکوهتر و گریه هر چه جانسوزتر به محتوای قیام نیز توجه داشته باشند و کربلا- یک مکتب انسان سازیست را با یک درگیری قومی اشتباه نگیرند. کمالات انسانی و سجایای اخلاقی که در اقیانوس بی کران مکتب حسینی وجود دارد برای استفاده و درس گرفتن انسانها می باشد، پس جای بسی تأسف است کسانی فقط عزاداری و مرثیه خوانی کنند ولی هیچ درسی از این دانشگاه بزرگ نیاموزند. بقول بزرگواری که می فرمود: «بعضی ها در این مجالس یک تانکر چای می خورد ولی یک ته استکان معرفت جمع نمی کنند». در پایان از خداوند مسئلت می جویم که از این درس ها اگر چه قطره ای است از آن اقیانوس پر تلاطم قطره ای نیز

خودم بنوشم که قطعاً کامیابی در هر دو سرا با این قطره میسر است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

